

پیشگیری‌ها و مراقبت‌ها

میدانیم که همیشه پیشگیری آسانتر و بصره‌تر از درمان است. سعی والدین و مربیان باید متوجه این نکته باشد کاری کنند که هرگز عقب ماندگی برای فرد پیش نیاید، خواه در جنبه ذهنی و خواه در جنبه‌های محیطی؛ در رابطه با تنبلی، تن پروری و... دامنه این مراقبت‌ها بسیار وسیع و شامل موارد زیر است:

— در مساله ازدواج و انتخاب همسر که میدانیم هوشها تا حدود بسیار زیادی صورت ارثی و وراثتی دارند.

— در دوران حمل جنین که میبایست مراقبت‌هایی در جنبه غذا و دوا و بیماریها و حالات روانی صورت گیرد.

— در سالهای اولیه زندگی کودک بویژه در دوران برسناری که مادران را در این سنین وظیفه‌ای سنگین بر عهده است.

— در مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و تغذیه کودک بویژه درسه‌سال اول زندگی کودک.

— در حفظ محیط خانه از عوامل نگران کننده، از درگیریها، نارسائی در محبت تبعیضها و متارکه‌ها.

— در حفظ کودک از محیط‌های بدآموز و معاشرت‌های نامناسب و سرگرمیهای بیکاری زا و دیگر عوامل مزاحم.

— در ایجاد زمینه و فرصت و امکان برای کودک که بتواند وظائف و تکالیف مدرسه‌ای را نیکو انجام دهد.

— در سپردن کودک به مدرسه و معلمی که مطلع مجرب، علاقمند و به‌سرنوشت کودکان دلسوزی داشته باشد.

علی قاضی



عقب ماندگی
درسی کودکان

بیشتر خواهد کرد. کثرت خرگی‌ها سبب آن میشوند که کودک مختصر روحیه خود را هم باخته و سر از آس و پاسی در آورد. تصورش این باشد آب از سرما گذشته چه بکنی جصدنی.

۲- ملامت مداوم :

ما در مواردی میتوانیم از ملامت و سرزنش برای اصلاح کودک استفاده کنیم ولی اگر موثر نشد حق نداریم که بر ملامت خود بیفزائیم و یا در آن یافشاری کنیم. کثرت ملامت شعله خشم و عصیان را در فرد بر می‌افروزد و بر مشکلات تربیتی ما می‌افزاید.

ملامت مداوم در برخی از کودکان سبب خواهد شد که طفل امنیت خود را در خطر احساس کند دست‌یافتنی شود و حتی از حرکت کند خود هم دست بردارد. این کار در مواردی عامل یأس کودکان شده و آنها را برای همیشه از حرکت باز داشته است.

۳- تنبیه بدنی :

شاید برای مواردی تنبیه عامل مناسبی برای براه انداختن کودکان و هشیار کردن آنها باشد ولی کودکی که بعلت ذهنی عقب مانده است نباید تنبیه شود و نیز طفلی که بعلت روش غلط معلم، نگرانیها و اضطرابات ناشی از اختلافات والدین عقب مانده است چرا و به چه علتی تنبیه گردد. آیا چنین تنبیهی میتواند عادلانه و قابل جویگویی در درگاه عدل الهی باشد) قطعاً نه. شما نخست موظفید انگیزه‌ها و عوامل عقب ماندگی را از زندگی کودک دور کنید و آنگاه از او بازخواست نمائید.

— در همکاری اولیاء و مربیان و مشاوره و مذاکره باهم برای بشمرساندن این امانت خداوند.
— در مراجعه بهنگام به صاحب نظران موقعی که عقب ماندگی در او احساس شده است و شناخت علت یا علل آن وسیع در درمان و اصلاح به موقع.
— در راهنمایی و هدایت به موقع تحصیلی با توجه به تفاوت‌های فردی و جمعی.

— و در همه حال حفظ جنبه‌های عاطفی و اخلاقی و ایجاد ملاحظات و رودربایستی‌ها برای بهره‌مندی از آن در شرایط و موقعیتهای مورد نیاز ضروری است. سعی نکنید که همه مشکلات و موانع را با سیلی و کتک حل کنید که راههای ساده‌تر و آسانتری هم وجود دارند.

شیوه‌های نامناسب

در طریق هدایت و اصلاح کودکان عقب مانده برخی از والدین و مربیان را می‌شناسیم که روشهای نامناسبی را در این زمینه انتخاب کرده و به کار می‌برند از نظر ما اعمال این شیوه‌ها نه تنها دردی از عقب ماندگیهای درسی آنان را درمان نمیکند بلکه بطور مداوم بر آن می‌افزاید آنچنان که حتی بعدها امکان مختصر درمانی هم اگر وجود دارد از بین میرود. آن شیوه‌های نامناسب متعدد و برخی از آنها عبارتند از:

۱- تمسخر کودک :

برخی از والدین و مربیان سعی دارند از راه مسخره کردنها کودک را به راه آورند و سبب آن گردند که او تن به تنبلی و عقب ماندگی ندهد در حالیکه مسخره کردن در مواردی سبب بروز عقده‌ها برای کودک شده و سر درگمی‌های او را

راه دهید معلوم نیست او به این سادگی‌ها درمان شود. راه ورسم‌دیگری را برای کار و زندگی او باید انتخاب کنید که مادر همین بحث به آن اشاره خواهیم کرد. واگر عقب ماندگی ناشی از نایسامانی‌های خانوادگی، مدرسه‌ای و از این قبیل است باید تا حدود زیاد به رفع و جبران آن اقدام کنید. فرزند شما امانتی از خدا در دست شماست و شما مسئول او هستید. نمی‌توانید سرنوشت او را نادیده بگیرید. حتی در مواردی لازم است برای به ثمر رساندن آنها محل کار و زندگی خود را عوض کنید.

هشدارها:

در طریق حفظ این امانت و به ثمر رساندن او ضروری است به نکاتی توجه شود که بخشی از آنها را تحت عنوان شیوه‌های نامناسب یادآور شدیم و اینک مواردی دیگر را بر آن می‌افزائیم:



۴- بخود واگذار کردن:

برخی از والدین و مربیان کودکان عقب مانده را بخود وامیگذارند که هر چه شد بشود. حتی برخی از معلمان در سر کلاس صف تنبلیها را تشکیل میدهند و با قرار دادن کودک در آن صف خود را بری‌الذمه بحساب می‌آورند!! اینان شاید به این نکته توجه ندارند که ما در باره کودکان مسئولیم و این مسئولیت‌مان برای همیشه و لااقل در ۲۱ سال اولیه زندگی وجود دارد. بخود رها کردن طفل شاید موجب شادی و رضای کودک باشد از آن جهت که از فشارها و تحمیلها رهائی میابد. ولی باید دید فرجام حیات چنین فردی چه خواهد شد؟ بدین نظر ضروری است او را به راه اندازید و همچنان از او وظیفه و تکلیف بخواهید. به شناخت علل و عوامل آن بپردازید و در رفع آن اقدام نمائید.

تذکری به والدین محترم

فرزند شما در عقب ماندگی خود مواجه بسا مسائل و مشکلاتی است شما به حکم مسئولیتی که برعهده دارید ناگزیرید آن دشواری‌ها و موانع را از سر راه او بردارید. اینکه بخواهید او را کتک بزنید و به راه آورید باید بدانید کتک سطح هوش کودک را بالاتر نمی‌برد و یا فردی را ریاضی‌دان نمی‌کند. اعمال این روش او را سرخورده‌تر و ناراحت‌تر خواهد کرد و بروخامت اوضاع خواهد افزود.

اگر عقب ماندگی ناشی از ضعف عقل و هوش باشد نباید زیاد دلوایس باشید و به خودنگران

۷- برای جبران عقب ماندگی کودک، عجله نکنید باصبر و حوصله باشید، انعطاف داشته باشید، از زندگی و بازی و تفریح او کم نگذارید، بگذارید به وقت بخوابد، بوقت بیدار شود، به موقع بازی کند که اینگونه ضایعات بر عقب ماندگی های کودک می افزاید.

در صورت عدم اصلاح:

اگر با اعمال این شیوه ها در اصلاح کودکان موفق نشوید، بویژه اگر دریافتید که عقب ماندگی درسی او ناشی از عقب ماندگی ذهنی است زیاد خود را خسته نکنید. با مشاوره با افراد ذیصلاح می توانید شیوه های دیگری را در ساختن و بعمل آوردن آنها بکار ببرید. اصل این است که اوساخته و پرورده شود و بتواند در آینده ای نزدیک سرپای خود بایستد و بار زندگی خود را خود بردوش کشد. اگر در جنبه درسی توفیقی نیافت در جنبه های عملی و کارهای دستی او را جهت دهید.

البته این نکته را متذکر شویم که اگر او در جنبه ادبی ضعیف است بگذارید در جنبه ریاضی تقویت شود، اگر در علوم ضعیف است بگذارید در خط پیشرفت کند و برعکس. ضمن اینکه حداقلی از درس مذکور برای زندگی ورشد او مورد نیاز است اما در تربیت کودکان عقب مانده چیزهای دیگری به او می آموزند که راه برای زندگی آینده او هموار شود مثل کارهای دستی، رسم، نقاشی، مدل سازی، قالب گیری، بریدن چوب، نجاری ساده، کار با مقوا، و کلا "کارهایی که جنبه عملی دارند. بدین بیان اصراری نداشته باشید که او حتما" در درس پیشرفت کند و دیپلم بگیرد، این کارها هم مورد نیاز جامعه است و بوسیله آنها می توان زندگی را سروسامان داد.

۱- از مقایسه کردن کودک با دیگران بپرهیزید که همه انسانها عین یکدیگر نیستند و نمی توانند چون یکدیگر باشند هر کودکی را در چارچوب ظرفیت و امکان خود باید مورد مقایسه و بررسی قرارداد وضع دیروز و امروز او را باید مقایسه کرد.

۲- شکست های او را کمتر به رخسار یکشده که این امر سبب تضعیف روحیه او خواهد شد بجای آن سعی کنید نقاط قدرت او را برایش شرح دهید تا امکان ترقی و رشد برای او حاصل شود.

۳- او را به خاطر اشتباهی که در حین عمل داشته دلگیر نسازید. سعی کنید اشتباهات او را برایش روشن کرده و راه جلوگیری از وقوع آن را به او بفهمانید تا در موارد دیگر راه صحیح را در پیش گیرد.

۴- هرگز فکر نکنید که اگر با کودک بیشتر کار کردید و ساعات بیشتری او را بیدار نگه داشتید بیشتر پیشرفت میکند. این چنین نیست. آگاه باشید که خستگی ذهنی و بدنی خود از عوامل عقب ماندگی است. بگونه ای متعادل با او کار کنید. بغیر از مدرسه حداکثر ۲-۳ ساعت در خانه.

۵- در کار و برنامه او که تازه می خواهد به راه افتد دقت و وسواس زیادی بخرج ندهید زیرا که ممکن است این امر او را به زندگی دلسرد و از خود مأیوس کند. کمی باگذشت و انعطاف پذیرتر باشید.

۶- عوامل نگران کننده را از زندگی کودک حذف کنید. اگر در خانه عامل درگیری و نزاع، جدائی و متارکه است آن را برای رضای خدا و حفظ و تأمین سلامت و بهداشت کودکان از میان بردارید. عدم تفاهم بین زن و شوهر، والدین و مربیان مدرسه بروخامت اوضاع می افزاید و احساس امنیت او را بخطر می اندازد.